



اول دیسہ ۱۳۸۱

۶۱۵۵۶

راہی
بیسوی
پیروزی

امتازات این طرح

این طرح ، شاهراهی را میگذارد مفروض از مواد زمین
بین اتعلی با علائقی آشنا که گمشدن ندارد

این طرح ، راهی ساده ، راهی بدون زخمت و
خطر ، راهی است بر خوردار از ضوابط مورد احترام
بشری که به پیروزی کشیده شده است

این طرح ، بی نیاز کمک مالی کشورها و بی
حمایتی است که بعدا سبب طلبکاری کشورها
شده میشود زیرا عمل مدخله را در کشور ما مفتوح سازده

++

این طرح با احترام و ارزوی پیروزی تقدیم میگردد

عبدالرحمن دسما ۱۳۸۶

هشداري که سبب تنظيم اين طرح شد

اعلیحضرت رضا شاه دوم در کنگره نما نشگاهها رو ارد در تاریخ بیستم
ژوئیه بر سخنرانی بسیار مدلل توجه و پرباری فرمودند
ایشان در آن سخنرانی که با عنوان "دین سالاری و دمکراسی"
به زبان انگلیسی بیان شد، چهار بیان و ابده مسائلی بسیار با
اهمیت محوجه ساختند و فرمودند

"تردیدی نمیتوان داشت که جمهوری اسلامی نیز چون اتحادیه
جماهير شوروی موجود پیشتر را واپسینه به حدی از انقلاب ابتدایی
منطقه و سپس به جهان میداند و این امر در همین قانون اساسی
که حاکمان فعلی برای پاسداری از آن سوگند خورده اند،
گنجانیده شده است. همه تا زمانی که رژیم اسلامی در
ایران برقرار است، میتواند بعنوان یک مرکز و نماه اینها،
بخش گروههای تندرو و اسلامی در سایر جهان باشند، حلوان
مسئله از سلاجهای گشتار جمعی نیست راست."

xxx

این دو مسئله، یعنی توجه جهان نیان به اینکه صدور انقلاب
اسلامی در قانون اساسی جمهوری اسلامی قید شده و حاکمان فعلی
ایران برای پاسداری و تعهد به اجرای آن قسم خورده اند،
مسئله دوم، مقایسه خطر جمهوری اسلامی با سلاجهای گشتار جمعی
و مرتوی خطر جمهوری اسلامی، برای اولین بار است که
اعلیحضرت جهان نیان را به آشنائی با آن جمعیت دعوت میفرماید
کنند

اتارات اعلیحضرت به موضوعات فزونی جامعه بستند قرار دادند
قانون اساسی جمهوری اسلامی به سن سرما ز چهارت وقوت داد که

شخصی را که مالهاست مورد نظر است تنظیم و تقدیم دارم و
 مختصرا اینکه، سنگرمقیده شده که مشکل بزرگ حقوقی مبارزه
 ایرانیان بر روی تحصیل آزادی و حاکمیت و نیز گرفتاری سخت
 جهانیمان از عدم رعایت حقوقی مردم ایران، کمک به ما زمان
 های ضروریستی، اخلال در امر صلح جاورمیانها، مشارکت در
 اعمال خلاف حقوق انسانی بواسطه شکلگیری است که قانون
 اساسی جمهوری اسلامی برای حاکمان کشور مقرر کرده است
 این مشکل، بدان جهت از حالت یک مشکل اجتماعی ریاسی
 خارج گردیده که اولاً مردم ایران به قانون اساسی جمهوری
 اسلامی رای داده اند بنابراین شریعات و باندلعمس و کراهت و ثانی
 که بسیار مهمه است، مجامع بین المللی و در ریس آنها سازمان
 ملل متحد این قانون اساسی جمهوری اسلامی را پذیرفته است
 یعنی جمهوری اسلامی را با این سندهوینی اش به عضویت
 سازمان بزاورده است

این طرح که برای نوحه ایران یاران تنظیم گردیده در این
 جهت است که این دو مشکل را از پیش برای مبارزه ملف ایران
 بردارد و مبارزه آنها را بصورت یک مبارزه سیاسی شروع در
 محرای دمکراسی قرار میدهد

گفتگویی درباره قانون اساسی جمهوری اسلامی

تبلا حاره فرما شید برای آنکه طرح تقدیمی جایگاهی از توجه
 و اعالت پیدا کند، گفتگوی کوتاهی در باب قانون اساسی
 جمهوری اسلامی رصراحتها و اجازت هائی که ان قانون بسمه
 قوه محربه کشور برای اعمال خشونت جهانی، کشاورخان
 حمایت و کمک به ضرور و نیز نقض اعلامیه جهانی حقوق بشر
 و فراگیری مقررات آزادیها داده است در انطاق داشه باشم
 موقعیت حقوقی اعتراضات به جمهوری اسلامی
 اعتراضاتی که متوجه عملکرد جمهوری اسلامی است از قبیل

عدم رعایت حقوق بشربود کمک و همگاری با سازمان های ضروری -
ستی و کشتار مخالفین بشورکلی و دیگری خارجیان خاصه سازمان
های فعال در جهت تامین آزادی ها و حضور بشر

یک اصل حقوقی قایل اعتبار در تمامی حوامع بشری و چپ بود
دارد که اعتراض و قسری بسموع است که عمل محترق علیه خلاف
قانون باشد. این اصل در روابط حقوقی بین افراد کشورها
و همصن کشورها با کشورها گامزحاری است

بنامر این اصل ، ایرانیان نسبت بدان دسته از اعمال جمهوری
اسلامی میتوانند اعتراض کنند که خلاف اسلام و سنت باشد حتی
اگر عملی را جمهوری اسلامی مرتکب شود که خلاف قانون اساسی
است یا بدینا هم های اعتراضی نیست چرا که قانون اساسی
حقیقی جمهوری اسلامی قرآن و سنت است و قانون اساسی در مقابل
بل قرآن و سنت واجب اعتبار نمیشود درست همانند آن است
که قوه مقننه در حوامع دمکراسی قانونی وضع کند که
خلاف قانون اساسی کشور باشد

با آنکه ضرورتی نداشته است مع هذا این مهم یعنی اعتبار
قانون خدا (قرآن و سنت) و بی اعتباری قوانین موضوعه و قرار
نوی اساسی در مقابله با آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی
با عبارت زیر پیاده شده است

" کلیه قوانین و مقررات مدنی ، حراشی ، مالی ، اقتصادی ،
اداری ، فرهنگی ، نظامی ، سیاسی و غیره بنیاداً بر اساس
مواردین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق با عموم همه اصولاً قرار
نوی اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است "

اعتراضی ایرانیان به جمهوری اسلامی

بزرگترین و مشخص ترین اعتراضی که از سوی ایرانیان مشرحه
جمهوری اسلامی میشود ، تشییع حقوق ملت و آزادی هست
این اعتراض وارد نیست بدین دلیل که در فصل حقوق ملت

دوقانون اساسی جمهوری اسلامی، موازین اسلامی معیار حقوق
 مطب شناخته شده است نه اعلامیه جهانی حقوق بشر
 بنا براین برای ورود اعتراض و استیضاح جمهوری اسلامی نسبت
 به نقض حقوق انسانی باید به آزادبهاشی که اسلام مقرر کرده ،
 رجوع کرد نه اعلامیه جهانی حقوق بشر
 همه ما اعتراض داریم که جمهوری اسلامی رفاه ملت را بنا بسود
 کرده و ملت را به گرفتاری ها و سختی های معیشتی و بیکاری
 مبتلا ساخته است

به بند ۱۴ اصل دوم اصطلاح قانون اساسی جمهوری اسلامی
 رجوع کنید ، در اس بند بی ریزی قلمداد کشور بر طبق ضوابط
 انسانی مقرر شده در اصول علم اقتصاد شناخته شده ضوابط
 اسلامی رفاه را کما ملاک معرفی کرده و آن را مقصود بسیاری دیگر ساخته
 نه این دنیا ، فقر و تحمل سختی را نعمت بزرگ دانسته گسه
 خداوند را به کسانی میدهد که آنها را دوست دارد
 هیچیک از پدیدده های اجتماعی و اقتصادی مانند فقر و مرودسا -
 کید و حدت انسانی قرار نگرفته است ، محققین اسلامی کتب
 بسیاری در تحلیل از فقر و لزوم تراکمی آن در جوامع اسلامی
 نوشته اند که زباب نمونه میتوان به کتاب فضل الله کمبانی
 (آیات از قرآن مجید و سخنان معصومین) اشاره کرد که با
 دقت تمام گله آفات قرآن و سخنان محدود ۱۲ تازی را که در
 باب تحلیل از فقر و ستودن آن و بی تفاوتی به زندگی موجود
 بوده ثبت و ضبط نموده است

در سال ۱۳۶۰ محمد خاتمی (معروف به آیت الله) در مقاله
 اصول گرانگی شرط زمامداری است ، نوشت
 بزرگترین گام انقلابی در زمینه اقتصادی توزیع و تقسیم ثروت
 ریشه دار و گسترده در میان جامعه است نه تلاش برای تقسیم
 رفاه بین مردم که نه چنین امری ممکن است و نه اگر هم
 باشد مفید و مطلوب است (کمبانی هوایی ۱۱ شهریور ماه ۱۳۶۰)

ملاحظه میفرمائید، این اظهارات محبب و حسرت انگیز، از سوی
سختی از سردمداران رژیم اسلامی، دقیقاً منطبق با حقوق و غوازی
جمهوری اسلامی است که تاسون اساسی جمهوری اسلامی از آن متاثر
شده.

همین چرا که در در مقام مقایسه، هیئت اقتصادی و اجتماعی
رژیم سلطنتی ایران و جمهوری اسلامی به بخشی از بیانات
شاهنشاهی ایران در مورد مصرف اشاره شود

"این روزها به کرات از اسرافکاری ایرانیان در مصرف گوشت
ایرادی گبرندولی من میفهمم به جهت آن امریکا ششها خود را در
سال ۱۳۰۰ کیلوگوشته، بنویزند و فرانسوی ها سال ۸۷ کیلوا ما وقتی
که ایرانی میخواهند لال به سطح مصرف گوشت، اروپا نزدیک
شودید و اعتراف میکنند که این سطح مصرف، مال یک جامعه
مصرفی است نه یک کشور جهان سوم

روزنامه مکیان ۲۳ شهریور ۵۶

قرآن، انسان را از میل و علاقه به تعلقات دنیوی منزه کرده
قرآن است که میگوید:

به اندازه ای که دل شوی بنده به دنیا میل کند، آنقدر محبت
خود را از دل تو بیرون آورده و بر صاحب خوده را با حبه دنیا
در یک دل هرگز جمع نمیکنم

محمد است که گفته فتو ما ننی است که حقتالی به خلق
میستدند خوش به حال ساکنی که بر فقر خود حسرت ندارد بمانند
جمعی که ملکوت آسمان روی زمین را مشاهده میکنند ای
گروه مساکین به فقر خود راضی و خوشنودا شده و عنان کشتند که
خدا و صد اذن رضا را بیا بدتا خداوند شما را شراب عظیم
بدهد (عین الحیات ۲۶۰)

گرد آمارها آمده است که جمهوری اسلامی از نظر اقتصادی و
رفاهی در بین کشورهای در پهنه ششم را دارد، در واقع و مطابق با
اساسی و حکم قرآن و سنت، ملت ایران در اولین ردیف تقرب
به خدا قرار دارد و این افتخار و بزرگی را جمهوری اسلامی به

ملت ایران ارزانی داشته است.

(علاقتمندان به ملاحظاتی بیشتر در باب اسلام و فقرونگار و معیشت
به رساله نیروی سازداریده " از انتقادات سنگین و جرم فرما سنده
مختصر اینکه ما ایرانیان نمیتوانیم از جمهوری اسلامی توجیهات
و خواستههایی داشته باشیم که خلاف قانون اساسی آنها و
اسلام باشد. این خواستهها همانند آن است که شعابا کسی قرارداد
ممعقد کنید که خانه فدیهی را با دشمنان خراب کند و بعد ادعای
کند و انتظار داشته باشید زلکاست و فغان کنید که چرا خانه
را خراب کرده است. به همین شکایت و اعتراض هیچ عاقلی
سر تیب اش نمیدهد.

نتیجه ضمنی

ار این مقدمه توضیحی این نتیجه عام است که وقتی گفته
میشود " همیشه توان از جمهوری اسلامی توقع اصلاحات را داشت بدین
دلیل است که قانون اساسی آنها اجازه اصلاحات به معنای آنها
و نقد شده در حقوق مدون را نداده است. اصلاحات در حقوق اسلامی
به معنای فواکبیری عام اعلام است که در زمینه های اجتماعی
و اقتصادی مقررات و کیفیت خاص خودش را دارد.
سازندگی در جوامع اسلامی دو مفهوم تفریب آثار و تغییر
و گسترش فخر و دور اسلام به کشورهای کفر است. است که رفسنهائی
خودش را سردار سازندگی نامیده این عنوان از نظر حقوق اسلامی
که بلا براننده اوست.

اعراضات سازمان های جهانی به جمهوری اسلام

اعراضات سازمان های حقوقی و انسانی جهانی به جمهوری اسلامی
از ب بنام دیده گشتن حقوق بشرکاملاً نا وارد است. اجازه دهید
با یک مثال این مهم شکافته شود.

سازمانی را در نظر بگیرید که برای عضویت آن سازمان مقررات
و اساسنامه ای خاص وجود دارد و کسانی که عضویت آن سازمان

را پذیرا میشوند باید کاملاً با اسامه‌آن سازمان را رعایت کنند
 در این حالت اگر یکی از اعضای سازمان خلاف مقررات عمل کند
 سازمان حق اعتراض و قطع عضویت عضو خاطی را دارد

حال همین موقعیت را متوجه شخصی سازت که عضو سازمان شده
 است بدون اینکه نامش نامی سازمان را مستهزأ به دست آورده
 باشد و حتی در اسامه‌هویت خود که بدان سازمان داده صریحاً
 نوشته است که به نامش نامی سازمان را مستهزأ کرده است
 نسبتاً در آئین نامه‌های که خودش قبول دارد رعایت خواهد
 کرده

ای در این حالت، این سازمان حق اعتراض به عملکرد آن شخص
 عضو را دارد یا خیر؟ البته که ندارد

جمهوری اسلامی در فتنه‌گروه مجریه در مقدمه قانون اساسی اش
 نوشته

"توجه مجریه به دلیل اهمیت ویژه‌ای که در رابطه با اجرای
 احکام و مقررات اسلامی بصورت رسیدن به روابط و مناسبات
 عادلانه حاکم بر جامعه دارد ... نایبیت و کفایت ایجاب
 جامعه اسلامی باشد نتیجتاً محصور شدن در هر نوع نظام دست و
با گریب‌جیبیده که اصول به این هدف را کند و یا همیشه دارند از
دیدگاه اسلامی نفی خود همدسته

جمهوری اسلامی قاضی و محکم نظام‌هایی مانند اعلامیه
جهانی حقوق بشر و منشور سازمان ملل متحد در انظار های است و با
گیری دانسته که مانع رسیدن جامعه به مناسبات عادلانه
 اسلامی است

چگونه سازمان‌های حقوق بشر از جمهوری اسلامی انتظار رعایت
 اعلامیه جهانی حقوق بشر را دارند، در حالیکه قانون اساسی
 جمهوری اسلامی، صریحاً اعلامیه حقوق بشر و فعالیت‌های سازمان
 های وابسته به آن را نفی کرده است

دولت‌های خارجی، سازمان ملل متحد، با ملاحظه این اصطلاح قانون اساسی جمهوری اسلامی عضویت جمهوری اسلامی را در سازمان پذیرفته‌اید، روابط سازگاری و سیاسی خودشان را به اعتبار این قانون اساسی که سندهویتی سیاسی جمهوری اسلامی است ایجاد کرده‌اند، لذا نمی‌توانند به اقدامات قاموسی جمهوری اسلامی (مقصود اقدامات منطبق با قانون اساسی جمهوری اسلامی است) که خلاف اعلامیه جهانی حقوق بشر و منشور سازمان ملل است ایراد و اعتراض کنند.

البته که می‌توانند اعتراض کنند اما آن‌ها اعتراضات می‌تواند ضمانت اجرا و مسموم نیست چنانکه تاکنون صدها بار جمهوری اسلامی متهم به نقض حقوق بشو شده است و نه جمهوری اسلامی و نه سایر کشورها به ادعای صدهای سازمان های حقوق بشری اعتراضی ننموده‌اند.

قانون اساسی جمهوری اسلامی و خشونت‌های جهانی

عرض شد که خشونت و ترور و سلب آزادی های فردی و اجتماعی که اساس سیاست جمهوری اسلامی است به اعتبار تکلیف و حکمی است که قانون اساسی برای قوم محریه مقرر کرده است این بیم که ارارکان اعمال این طرح است باید نخس در موقعیتات شدید قرار گیرد تا بتوانند مسئولیت قبول و توجه به طرح را بدهد

در اینکه سیاست داخلی و خارجی جمهوری اسلامی بر اساس ترور و وحشت در سطح جهانی و داخل کشوری ریزی شده معلوم است کذب تا شید ملاحظات عمیق رسیده است ولی اینکه این سیاست جمهوری اسلامی ناشی از حکم و اجازه قانون اساسی جمهوری اسلامی است کمتر مطرح شده است.

در شه ماه می ۱۹۹۵ روزنامه هوالدنریبیون به نقل از وارن کریستوفر وزیر خارجه آمریکا نوشت

"در دنیا هیچ رؤیعی وجود ندارد که ما استدلال کنیم جمهوری اسلامی اساس سیاست‌های داخلی و خارجی خود را بر مبنای تروریسم و جست قرار داده باشد"

کاملاً درست است ولی این حقیقت از نظر کویستو فرموده در مانده که در دنیا هیچ رؤیعی وجود ندارد که در قانون اساسی آن رژیم به دنیا اعلان جنگ داده شده باشد و خود بگوید تجربه تکلیف کرده باشد که مرده دنیا را با ارزش‌های اسلامی (با و روت — نون اسلام) پرورش بدهد، قانون اساسی هیچ کشوری در جهان نیست که حکم داده باشد که انقلاب و اعتقادات دینی خودش را به همه کشورهای جهان صادر کند. حتی در قانون اساسی شوروی سابق هم این مراحتی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی در باب مدور انقلاب اسلامی وجود دارد، نسبت به تمام کمونیستی وجود نداشته است.

ملاحظات برای ثبات آنچه عرض شد

در تشریح شیوه حکومت در جمهوری اسلامی که در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی توصیف شده است این ملاحظاتی که می‌تواند که حالت حکم را دارد نوشته شده است.

"قانون اساسی ما توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی منضمین بر مسکبرین بود زمینه شد و این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم میکند بویژه در گسترش روابط بین المللی با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کند تا راه تشکیل امت واحده‌ها را هموار کند و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد - رسالت قانون اساسی این است که زمینه‌های اعتقادی نهضت را عینیت بخشد و شرایطی را بوجود آورد که در آن اشخاص با ارزشهای والا و جیدین شمول اسلامی پیروزی یابد"

این کار کوچکی نیست که رژیم خواه مردم بسیار است —
به امت واحدی بنماید و آنها را تحت نظم و نرسند و قانسون
انلام درآوردند ملتها ، دولتها ، پیروان ادیان مختلف و از همه
مهمتر وطن پرستان کشورها مفت میبکنند

چگونه میتوان دستاورد انقلاب اسلامی ایران را که فکرو در تمام
زندگی عمومی است ، دستگاتوری و استعدادهایی است چایگزین
رقاه و تعمی ساخت که جهان در چهار سه بدینحال آید هستند

این دگرگونی مورد نظر قانون اساسی جمهوری اسلامی است
تبدیلیات و تمسک کردن میشود . نیاز به جنگ و خشونت استیم
در حدسیهت داد

جمهوری اسلامی در تمام به نیاز به خشونت و جنگ برای فراهم
ساختن زمینه هائی که بتواند امت واحد اسلامی را در جهان
شکل بدهد و آنها را بر همه چیز قانون اسلام درآورد و اکتفا کرده
که انجم این مهم را بر عهده ارتش و سپاه پاسداران ضیاع
به اخلاق آنرا در قانون اساسی جمهوری اسلامی میخواهم

" در شکل و تجهیزات نیروهای دفاعی کشور ، توجه بر آن است
که اسبان و مکتب ، اساس و عابطه باشد بدین جهت ارتش
جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب در اخلاق با هدف فوق
شکل داده میشوند و تنها حفظ و هر منازمها بلکه با رسالت
مکنتی جها در راه خدا و مبارزه در راه گسترش حاکمیت
قانون خدا در جهان را فراهم سازند "

آیا میتوان باور کرد که منب حق حاکمیت مردم جهان و تحصیل
قانون اسلام به آنها ممکن است ؟ و اگر ممکن باشد آیا بدون
غسه بر عموم کشورها و اسارت گرفتن مردم جهان و کشتار و خون
ریزی ممکن است ؟

این حقیقت آشکار شد که قانون اساسی جمهوری اسلامی ، ارتش
و سپاه پاسداران و در واقع قوه مجریه و در مفهوم کلی ، کل

وجوه نظام را تکلیف فراهم کردن زمینده هائی که توفیق جهاد در راه خدا ممکن سازد نموده است.

این ملاحظه بیشتر جای توجه دارد که هر یک وقت این گنده گونگی ها در سخنرانی ها میخورد که چنانچه حساسی دارد ولی وقت حساسی در قانون اساسی کشوری پیاده شد، دیگر شوخی و گندگونی نیست حکم است که استعرازی نظام بر آری آن مندرج است، اکنون این سوال جای طرح دارد که :

زمینده هائی که قانون اساسی جمهوری اسلامی فراهم کردن آنها را در تکلیف دولت و ارتش و سپاه پاسداران گذاشته کدام است ؟ پاسخ روشن است، هر اقدام عملی که بخطر کارشناسان حساس کشور درانهدام قوه دفاعی و یا تهاجمی کشورهای کفر شود در ردیف کارهاش است که قانون اساسی جمهوری اسلامی اجازه استفاده از آنها داده است از جمله گروگان گیری - سفیر ساختن ناسیما ت نظامی و غیر نظامی ، کشاندن دست جمعی بهر طریق - استفاده از هرگونه سلاحهای اتمی و غیره ناروهای مخالفین از جمله کارهای که زمینده را مساعد برای پیروزی جهاد میسازد کمک به سلیمانانی است که درد خلع کشورهای خصم اقامت دارند جمهوری اسلامی اقتدر به این مهم توجه داشته که از مرزها در میان شیوه حکومت اسلامی در میان ارتکن بر نشریح کرده است

"سویژه درگسترش روابط بین المللی با دیگر جنبشهای

سلامی و مردمی ۰۰۰۰

کمک مالی و حمایت جمهوری اسلامی از سازمان های تروریستی دقیقاً منطبق با حکم قانون اساسی است .

حاشیه - در این گفتگوان حاشیه را نباید فراموش کرد که این قانون اساسی جمهوری اسلامی نیست که خودسرانند و بیگطرفه به جهان نیان اعلان جنگ داده است ، این حکم ناشی از ایمان بد اسلام و حکم خدا و قرآن است که جمهوری اسلامی هم

آنرا در قانون اساسی خودش بهیاده کرده است

اساساً جمهوری اسلامی ندزی به قانون اساسی ندارد، و از

اعلام، جمهوری، گویای ماهیت حقوقی جمهوری است چرا

که اسلام خود قانون اساسی دارد و آن سنت و قرآن است و

برای خالی نبودن عریضه و اینکه تمام کشورها دارای قانون

اساسی هستند، قانون اساسی جمهوری اسلامی میتواند نسبت فقهی

در یک جمله نوشته باشد

"جمهوری اسلامی نظامی است بر پایه ايمان به اسلام و مکتب

تشیع و همین و همین

ابعاد طرح

پس از پایان جنگ جهانی دوم و شکست آلمان، در سال ۱۹۴۶

سازمان ملل متحد منشوری را در سانفرانسیسکو تصویب رسانید

که اساس کار آن سازمان در روابط بین کشورها گردیده

در آن زمان ۵۸ کشور عضویت سازمان را داشتند و اعلامیه جهانی

حقوق بشر با ۴۸ رای موافق تصویب رسید و این مصوبه بمنزله

تعمیر اجرای اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر در کشورهای عضو

سازمان شناخته شد و نظریه اینکه در قانون اساسی هر کشوری از

کشورهای عضو سازمان، اساساً چنین حقوقی (اعلامیه جهانی

حقوق بشر) پیش بینی نشده بود، لذا از نظر حقوقی لازم گردید

که در قوانین اساسی آن دسته از کشورها شی که فاقد تصریحات

اعلامیه جهانی حقوق بشر بودند تجدید نظر گردند تا منطبق با

اعلامیه جهانی حقوق بشر و منشور سازمان ملل متحد گردیده

مراتجی از این تصمیم که در واقع شرط عضویت کشورها در

سازمان ملل متحد بود کشوری از کشورهای عضو سازمان ملل

بشروط تحدید نظر در قانون اساسی کشورشان گردیدند پس

استثنای قانون اساسی کشورهای انگلستان و آمریکا و فرانسه

و بلژیک و از آنجا که قانون اساسی ایران هم اقتباس از قانون

اساسی بلژیک بود و اصل دوم آن قانون هم به ملاحظه سایر

سنوایی عدم اجرای آن نمیتوانست مانعی در اجرای اعلامیه جهانی حقوق بشر باشد. تجدید نظر در قانون اساسی ایران هم لازم شناخته شده

پیراژشورش ۵۷ به ملاحظاتی که این کشور را منزه میسازد کشورهای خارجی و سازمان ملل متحد از تسری آن شرکت عضویت یعنی تطبیق قانون اساسی جمهوری اسلامی با اعلامیه جهانی حقوق بشر و منشور سازمان ملل خودداری کرده اند و علویست جمهوری اسلامی را به قاضی مقامی رژیم سلطنتی اینچنان بیگناهند، در حالیکه قانون اساسی ناظر بر عمل جمعیت جمهوری اسلامی کا ملاخلاق قانون اساسی سلطنت مشروطه ایران و نیز اعلامیه جهانی حقوق بشر و منشور سازمان ملل متحد بوده

یکی از دلایل مهمی که سبب گردیده اعلامیه های کمیون های حقوق بشر سازمان ملل متحد در مورد محکومیت جمهوری اسلام علق بماند، همین است که سازمان ملل متحد عضویت جمهوری اسلامی را با توجه به قانون اساسی که دارد پذیرفته است. این موقعیت استثنائی که بواسطه تعلل و امانتسل دیگر موی جمهوری اسلامی بوجود آمده، سازمان های حقوق بشری و با خود سازمان را در موقعیتی قرار میدهد که نسبت به اعلان جمهوری اسلامی از باب نادیده گرفتن انقلابیه جهانی حقوق بشر و ضمانت های اجرایی استفاده کنند.

آئین ظوح و فراگیری آن

حدوده ۶ ساله از تاسیس سازمان ملل متحد میگذرد، امروز نزدیک به ۲۰۰ کشور عضو سازمان هستند، برخی از این کشور ها اصلاً قانون اساسی ندارند مانند عربستان سعودی و برخی از کشورهای مسلمان آفریقای شمالی، همچنین است که برخی از کشورهای در قانون اساسی خودشان تجدید نظرهایی کرده اند و قانون اساسی جدیدی را جایگزین قانون اساسی سابق کرده اند.

بنا بر این اوضاع جهانی این نیاز مبرم را کاملاً محسوس ساخته که سازمان ملل متحد تصمیمی را که در اخلال با نظریات مسکو در سال ۱۹۴۶ اتخاذ نموده است و آن بررسی قانون اساسی کشورهایی است که خواست عضویت در سازمان ملل متحد هستند و آن تصمیم اساسی روابط کشورهای عمودبنا با سازمان شناخته شده است مجدداً در موقعیت اجرائی قرار بدهد یعنی با بررسی قانون اساسی کشورهای عضو، کشورهایی که قانون اساسی آنها خلاف اعلامیه جهانی حقوق بشر و منشور سازمان ملل متحد است در موقعیت الترام سه تجدیدنظر در اصول قانون اساسی و تطبیق آن با اعلامیه جهانی حقوق بشر و منشور سازمان ملل متحد قرار دهد و در کلامی روشن، تعیینی را که در سالهای اخیر بهر ملاحظاتی بکار برده و از تطبیق قانون اساسی کشورهای عضو با اعلامیه جهانی حقوق بشر و منشور سازمان ملل متحد خودداری کرده است رجوع کند و تأیید عضویت در سازمان ملل متحد را که ملا رعایت نماید

حقیقتاً جای تأسف و استیخام نیست که رژیمی که قانون اساسی آن برخلاف هدف و آرمان اصلی سازمان ملل متحد کسسه جلوگیری از جنگ است تدوین و تنظیم و تصویب گردیده عضویت آن سازمان را نداشته باشد. ؟ سازمان ملل در راه جلوگیری از جنگ و گشتار و خشونت جهانی هفت‌های بی‌زوسی به کشورهای برای کنترل تولید سلاحهای خطرناک اعزام میکنند اما اعلان جنگ یک رژیمی به دنیا آنها در قانون اساسی خطرناک ساز تولید سلاحهای گشتار جمعی نیست؟

تأیید اجرائی طرح

شخصیت‌های سیاسی و مذهب‌ها نیز لزوم اجرای تصمیم اجرائی سازمان مسکو که منطبق بودن قانون اساسی کشورهای با اعلامیه جهانی حقوق بشر و منشور سازمان ملل متحد است

مطرح سازند و بویژه از کشورهای که در یلند به ملت های اسپر
 در پنداستمداد کمک کنند و عقبتنا خواهان صلح و دوری از خشو-
 نص و جنگ نباشند بخواهند که سازبان ملل متحد را در مسیر
 اجرای تصمیم اجلاس با نفرانسیسکو ترار بدهند

خطی خیلی تفاوت داشتند بین اینکه کشوری برخلاف فانسون
 اساسی کشوری دست به اعمال خیریت و مدورا اعتقادات دستسی
 بویا خواسته های دولتی به کشورهای دیگر میزند با کشوری که
 این اعمال را در وحدی نامحدوده در وظیفه قوه مجریه و ارتش
 و شاه پاسداری قرار داده است

اینکه جمهوری اسلامی کمک های مالی و سیاسی و غیراثر آنگاه
 سازمان های توریبستی میکند حمایت ارتور و ربحم و مشارکت
 در آن نمیداند او این باب است که بکلمتی که در قانون اساسی
کشوری مطرح شده مشروع و قانونی است و ترور و خشونت محسوب
نمیشود

ماده ۴۹ کشور سازمان ملل متحد میگوید

" شورای امنیت و جرد شهید سرعلیه صلح یا برهم زدن صلح
 با اقدام به تجاوزات تشخیص داده و توصیه ها می کنند و بنا
 تصمیم بگیرد که برای حفظ صلح با استقرار صلح و امنیت
 بین المللی چه اقداماتی باید بر طبق ماده ۴۱ و ۴۲ بعمل
 ورده "

آیا آنچه که قانون اساسی جمهوری اسلامی در تشریح شیوه حکومت
 و تمهیل ارزشهای اسلامی به ملت از ادجهان و تشکیل امت اسلامی
 مقبول کرده و ارتش و سپاه پاسداران را با محور اجرای آن کرده
 شهید علی صلح و بارمبانه سازی برای تجاوز نیست ؟ ۱۹
 چرا سازمان ملل متحد در اجرای ماده ۴۱ و ۴۲ به موازات
 کنترول اجرای اعلامیه جهانی حقوق بشر لزوم منطبقی جملشودن
 قانون اساسی کشورها را با اعلامیه جهانی حقوق بشر و منشور
 سازمان ملل متحد شروط لازم قرار میدهد

ایا این نکاتی نیست که قانون اساسی کشوری غلاف اعلامیه

جهانی حقوق بشر باشد و با زهم کمیسیون حقوق بشر خواهان اجرای اعلامیه جهانی حقوق بشر در آن کشور گردید؟ این کجدار و مرسیز پرا؟ درحالیکه حق مسلم سازمان ملل است که خواست رنظییق قانون اساسی کشورها با منشور سازمان ملل و اعلامیه جهانی و حقوق بشر گردید.

ایا غیرهائی و غیره آورنیست درحالیکه قانون اساسی جمهوری اسلامی، سازمان حقوق بشر و سازمان ملل متحد را نظام های دست و پا گیر دانسته است، همان نظام های دست و پا گیر را؟
خو ستا را اجرای مقررات دست و پا گیر خودشان از جانب جمهوری اسلامی گردید.

تظا هرات در مقابل سازمان ملل متحد علیه جمهوری اسلامی میتواند خواستاری تطبیق قانون اساسی کشورهای عضو با اعلامیه جهانی حقوق بشر و منشور سازمان ملل متحد باشد که خواسته ای کلی است و کشور خاصی را هدف نمیگیرد که چون صد آمد بود هم آمده است و باب برخی زکشمکش ها را مسدود میسازد. مسوان از کشورهای آزاد جهان و با مدعی آزادی خواهی خواست که از سازمان ملل و شورای امنیت بخواهند که تطبیق قانون اساسی کشورهای عضو با منشور سازمان ملل و اعلامیه جهانی حقوق بشر و دستور کار سازمان ترا گیرد.

در رابطه با آتش کار که عرض شد سگ در سن ۲۰۰۱ تلاشی داشته که بعنوان ضمیمه این طرح در پایان تقدیم میگردید.

پشتوانه قانونی آتش کار

همانطور که منظر گردانید، آتش کار این طرح پس از این بایه است که بنا شده یکی از کشورهای عضو سازمان ملل و شورای امنیت بخواهد که آمریکا زرسی قانون اساسی کشور هائی که قانون اساسی آنها مخالف با منشور سازمان ملل و اعلامیه جهانی حقوق بشر است آغاز کند. اکنون به بینیم

پیشنوا نه قانونی و مشروعیت این درخواست چیست ؟
مواد ۳۴ و ۳۵ منشور با زمان مثل پیشنهاد این درخواست است به
اتفاق به آن رجوع نمیکنیم

ماده ۳۴ - شورای امنیت میتواند نسبت به اختلاف و وضعیت
که ممکن است بین ملتها یا ملت اختلاف گشود و با تولید یک
اختلاف بکند با زری نماید تا همین کند که با دوام این
اختلاف بیان وضعیت بنظر او (متنوع شورای امنیت است)
برای حفظ صلح جهانی و امنیت بین المللی تهدید آید
است یا نه ؟

ماده ۳۵ - هر عضو سازمان ملل متحد (توجه فرمانده مشور
میگوید) هر عضو سازمان نمیگردد عضو شورای امنیت که مصدود
به چند کشور است) میتواند توجه شورای امنیت با مجمع
عمومی را نسبت به یک اختلاف ویا وضعی که در ماده ۳۴ ذکر
شده طلب نماید

تطبیق وضعیت جمهوری اسلامی با ماده ۳۴

وضعیتی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی پیاده و مقرر
شده است تهدیدی برای صلح جهانی است ، تهدیدی خطرناک
برای همزیستی پیروزان ادیان مختلف و آزادی ادیان است
تهدیدی غیر قابل تحمل است برای حاکمیت مردم و زادی آنها

چرا که ، قانون اساسی جمهوری اسلامی خواستار تحلیل ارزشهای
اسلامی و اجرای قانون اسلام در همه کشورهاست
تهدیدی جدی و نفرت اورا سازم جمهوری اسلامی فاسد است
بر مبنای قانون اساسی خودش ملل مختلف جهان را به امتی
و اجدود بر جمع و مقررات اسلام ؛ قانون اساسی جمهوری
اسلامی در آورد

هیچ خطری در جهان صلح بین المللی و تمدن بشری را به
چنگ و ساجودی تهدید نمیکند که وضعیت که در قانون اساسی
جمهوری اسلامی صورت حکم مقرر شده است ،

خطر تولید سلاهای هسته‌ای جنگی بری صلح جهانی و نابینودی
بشریت ذره‌ای هم در مقابل آرمان‌های جهانگیری و جهانسازی
جمهوری اسلامی نیست

کشوری که فعالیت‌های هسته‌ای دارد می‌تواند ادعا کند که
 تولید انرژی اتمی برای مقاصد فراهی است ولی کشوری که
 در قانون اساسی خود، ارتش و سپاه پاسداران را مأمور تشکیل
 امت و اتحادیه‌نی و مدور انقلاب اسلامی به عموم کشورها نموده
 نمی‌تواند ادعا کند که فعالیت‌های هسته‌ای در راه صلح است
 همه امکانات هر کشوری در راه تحقق آرمانی است که مردم
 قانون اساسی آن به صورت زبان ملی معرفی شده است
 بطور طبیعی و به حکم قانون اساسی فعالیت‌های هسته‌ای و
 همه امکانات جمهوری اسلامی در راه اجرای قانون اساسی
 که تشکیل امت و اتحاد اسلامی و اجرای قانون سلام و صلح حاکمیت
 مردم است مصروف خواهند شد.

آنها برای صدور اسلام بد کشورهای کفر و سلب آزادی و رفاه ملی
 که دارای سلاحهای هسته‌ای هست بفرنگ و شمشیرکافی ست و با
 سبیانمی لژم است.

سهولت حرکت در این راه

آبادشو. راحت که نمابنده یکی از کشورهای عضو سازمان ملل
 از شورای امنیت و با سازمان ملل بخواهد که به وضعی
 که قانون اساسی جمهوری اسلامی در روابط بین المللی
 ایما و مقرر کرده است رسیدگی کند؟

آبادشو. راست که ایرانمان خاچه ارباب مطبوعات و رسانه
 های گروهی بطور جمعی از کاتک کشورهای عضو سازمان ملل
 بخواهند که ماده ۳۴ منشور امنیت جمهوری اسلامی وحشی
 سایر کشورها اجرا گردد؟ تصور نمیکنم بین درخواست مشروع
 جای ایرانی برای حتی جمهوری اسلامی داشته نباشد

همه کشورهای آرایه جهان از وضعیتی که جمهوری اسلامی در روابط بین‌المللی بوجود آورده است تائید و سرگزداشته، همه می‌دانند که تفتن‌های خاورمیانه متوجه اهداف ملت جمهوری اسلامی است. همه میدانند که حمایت از خشونت‌های داخلی و خارجی و اوج‌گیری آن منیحه اعمال جمهوری اسلامی، همه میدانند که ب‌رزه گروگان‌گیری رواج خودی از منشاء جمهوری اسلامی است ولی بی‌تردید بسیاری از شخصیت‌ها تمییدامند که حکم این اعمال در قانون اساسی جمهوری اسلامی بناده و دولت اسلامی بران موطن به اجرای آنهاست.

مطبوعات و شخصیت‌های سیاسی مخالف رژیم اسلامی تائید دارند که وضعیت انکوار بود برای جهان‌شان تشریح کنند؛ بسیار کار خوبی است ولی کار بسیار مناسب‌تر این است که در کمیته‌ها آن آگاهی‌هایی که به جهان‌نیان میدهند، این حقیقت را هم به ملاحظه و استعمار آنگاه برسانند که اعمال جمهوری اسلامی چه در رابطه با مردم ایران چه در رابطه با کشورهای تانی از حکم قانون اساسی جمهوری اسلامی است.

دستاورد های این طرح

دستاورد های اجرایی این طرح را میتوان در حوال و خوش مراضب زیر یافت

۱- اگر جمهوری اسلامی به شرمیه شورای امنیت مبنی بر تطبیق قانون اساسی با اعلامیه جهانی حقوق بشر و منشور سازمان ملل روی موافق نشان داد که اولاً همان دگرگونی بزرگ وزیر بنامی که خواسته آزاد بخواهان است بوقوع پیوسته است و در این دگرگونی است که حاکمیت به مردم ساز می‌گردد و جمهوری اسلامی در قید اعلامیه جهانی حقوق بشر و منشور سازمان ملل متحد تراز می‌گیرد.

تا گفته پیدا است که این دگرگونی تنها دگرگونی در قانون اساسی

نیست بلکه انبداء کلی جمهوری اسلامی است . این عقب نشینی
 چیز ساده ای نیست بدول اراهداف اسلام و تشیع است به همین
 دلیل است که جمعیت جمهوری اسلامی در تصمیم شورای امنیت
و تحدید نظر در قانون اساسی و تطبیق دادن آن با اعلامیه جهانی
حقوق بشر و منشور سازمان ملل متحد که بنظر قانون اساسی
جمهوری اسلامی مکررات دست و پا گیر هستند ، کار جمهوری اسلامی
را خواهد ساخت .

اگر جمهوری اسلامی به نظر شورای امنیت ننگین نکند ، بطور
 طبیعی در موقعیت خروج و عضویت سازمان قرار میگیرد و این
صراحت ماده ۶ منشور سازمان ملل متحد ، سازمان میتواند
 بر توصیه شورای امنیت عضویت جمهوری اسلامی را تأیید نماید
در قانون اساسی معلق سازد .

امروز گستردگی روابط بین المللی طوری است که حتی قویترین
 کشورهای جهان نیز نمیتوانند بدون عضویت در سازمان ملل
 متحد به حیات سیاسی و اقتصادی خودشان ادامه بدهند ، چنانکه
 کشور سوئیس پس از سالها مقاومت ناچار شد به عضویت سازمان ملل
 متحد در آمدت چه رسد به جمهوری اسلامی
 مهمترین دستاوردی که نصیب مبارزه ایرانیان میگردد این
 است که مبارزه آنها در زمینه حقوقی سن المللی برخوردار
دارد ، در حالیکه اکنون با عضویت جمهوری اسلامی در
 سازمان ملل متحد ، مبارزه ایرانیان مخالف رژیم ارتشروعییت
حقوقی بین المللی برخوردار نیست و در این راستاست که تحولی
بزرگ و ممتاز در کیفیت مبارزه ایرانیان علیه جمهوری اسلامی
بوقوع خواهد پیوست .

با اجرائی طرح

با احرافی این طرح به دیش ایرانیان خارج از کشور است و ما سور
 حراتی آن سازمان ملل متحد و معموله امن با رو مستند است آن

تعهدات کلی و ضمنی جمهوری اسلامی است که عضو سازدن ملل
سته

بنابراین در این برخورد و دیگرگونی بزرگی که در ارکان و قه قیبت
حقوقی جمهوری اسلامی روی خواهد داد، طرف جمهوری اسلامی
چوانان و مردم بیگناه و گرفتارند حل کشور نیستند که گرفتار
خشونت های رژیم اسلامی بشوند ، طرف جمهوری اسلامی سازمان
ملل متحد است

پسلی بر روی نافرمانی مدنی

این طرح ، در واقع پسلی است بر روی نافرمانی مدنی به
این صورت که بعدی اینگونه جمهوری اسلامی یرودم ایران پایه .
دلیل نافرمانی تقریرات و عدم اطاعت مجازات کننده ، خودش
به دلیل نافرمانی از تصمیم سازمان ملل متحد مجازت میشود
مجازاتش که به سرگرد رژیم می انجامد

جبران قصور ملت ایران بوسیله سازمان ملل

مردم ایران خاصه روشنفکران بنا بر اخالاتی که جای طرح
آن در این مقوله نیست به قانون جمهوری اسلامی رای مثبت
دادند و این رای ، چهار بابت چهل به موضوع و انصافات
و غیره گرفته شود از نظر حقوقی متاثر از آثاری است که
مخالفت با آن با عدم تمکین نسبت به آنرا حتی بصورت بسیار
ناچیز حالت عدم اطاعت را بخش می آورد و بد حکم آیه "اطیعوا
الله و طعه اسلامی تشیع نافرمان مستوجب مجازات مینگردد
این طرح قصور ملت ایران را در رای به قاسین اسلامی جمهوری
اسلامی جبران میکند یعنی سبب میشود که سازمان ملل متحد
به قائم مقامی مردم ایران خواهان تعهد بنظر در به اصلاح
قانون اساسی جمهوری اسلامی میگردد و کاری را که ایران نیتان
با بدیا خون دادگان های بسیار احتیاجا موجب به اشخاص آن شوند
از طریق آرام و تصمیم سازمان ملل متحد صورت مینگردد

ارزیابی تصمیم سازمان ملل

با آنکه اثرات تصمیم سازمان ملل متحد به الزام جمهوری اسلامی به تحدید نظر در قانون اساسی و تطبیق آن با اعلامیه جهانی حقوق بشر و منشور سازمان ملل متحد بسیار با اهمیت است ولی از نظر سازمان ملل متحد عمل مهمی نیست چرا که به فعل درآوردن توه ای است که وجود دارد.

شواضح است که بنا بر صراحت بند دوم ماده ۲ منشور سازمان ملل جمهوری اسلامی بالقوه از عضویت سازمان خارج است و تصمیم سازمان ملل این موقعیت جمهوری اسلامی، یعنی خارج بودن بالقوه از عضویت سازمان ملل را به فعل درمیآورد
بند دوم ماده دوم منشور چنین است

"اعضای سازمان برای اینکه استفاده از حقوق و مزایای ناشی از عضویت مستقیم به همه آنها تضمین گردد باید تعهد تسمی را که بموجب این منشور رسیده گرفته اند آزادی حسن نیت است انجام دهند"

جمهوری اسلامی از همان روزی که قانون اساسی اش را تصویب شده اعلام کرد، از عضویت سازمان ملل خارج شده تلقی می میگردد و فقط تشریفات اداری آن خروج لازم است تا این خروج از قوه به فعل درآید.
چیران مافات

کشورهای آمریکا و انگلستان و فرانسه و آلمان که ملت ایران و کشورهای جهان را گرفتار این رژیم سید و تبیهکار جمهوری اسلامی کرده اند و دنیا را در موقعیت جنگ و نهادام کلی قرار داده اند و جایزه صلح هم بخودشان میدهند، این طرح موهبتی را برای آنان ایجاد نمائید که با طرح مسئله قانون اساسی جمهوری اسلامی در سازمان ملل متحد چیران مافات کنند.

انتظارات از اعلیحضرت و شاه شاه دوم

همانطور که در ابتدای این تحریر عنوان شد ، این طبع صریح
 از کتاب : اشارات اعلیحضرت به قانون اساسی جمهوری اسلامی
 است : گنونا ، زاعلیحضرت استدعا دارد به این طرح که نشأت
 یافته از نظرات خودشان است عنایت لازم را مبذول داشته و
 در سخنرانی ها و مصاحبه ها با آن فصاحت و بلاغتی که خاص ایشان
 است افکار جهانیان و مسئولین کشورهای را به حقانیت و امانت
 این طرح جلب فرمایند

بها مید پیروزی - عبدالرحمن

۱